

اشتقاق تئوریک و استراتژی‌های طراحی در آثار هشت معمار معاصر

جیمز استرلینگ / ونتوری و اسکات براون
آلدو روسی / پیتر آیزنمن / الوارو سیزا
فرانک گری / رم کولهاس / هرزوغ و دم‌ورن

نوشته‌ی: رافائل مونئو
ترجمه‌ی: ایمان رئیسی
و حسام عشقی صنعتی

سرشناسه: مونثو، خوسه رافائل، ۱۹۳۷ - م.

Monco, Jose Rafael

اشتیاق تنویرک و استراتژی‌های طراحی در آثار هشت معاصر/ نوشته رافائل مونثو؛ ترجمه ایمان رئیسی، حسام عشقی صنعتی، مشهد: کتابکده کسری، ۱۳۹۰.

۳۲۰ ص: مصور.

شابک: ۱-۱-۹۲۳۸۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Theoretical anxiety & design strategies in the work of eight contemporary architects
یادداشت: آثار استرلینگ، رابرت و تنوری-پراون، آلدو روسی، پیترو آیزنمن، آوارو سیزا، فرانک گری، رم کولهاس، هرزوغ و دمورن، موضوع: معماری جدید- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: رئیسی، ایمان، ۱۳۵۶ -، مترجم

شناسه افزوده: عشقی صنعتی، حسام، ۱۳۶۲ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ الف ۵۹/ NA۶۸۰

رده بیسی دیویی: ۷۴۴/۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۹۰۳۹۸



کتابخانه تخصصی هنر، معماری و شهرسازی کسری

اشتیاق تنویرک و استراتژی‌های طراحی در آثار هشت معاصر

نویسنده: رافائل مونثو

مترجمان: دکتر ایمان رئیسی (عضو هیئت مدیره، نگاه آزاد اسلامی قزوین)،

حسام عشقی صنعتی

صفحه‌آرایی: مجتبی‌اللهی

ویرایش تصاویر: حمیده امیرخانی

آماده‌سازی و نظارت: نیما طایبان

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی

شابک: ۱-۱-۹۲۳۸۸-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

انتشارات: کتابکده کسری

نشانی: انتشارات: مشهد - فلسطین ۱۴ - پلاک ۱۰ تلفن: ۷۶۷۰۰۱۹ / ۷۶۷۰۰۱۹ - ۷۶۴۱۳۷۲ / ۵۱۱

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات محفوظ می‌باشد.

مرکز پخش: کتابکده کسری

تلفن: ۷۶۷۰۰۱۹ - ۵۱۱، همراه: ۵۱۲۴۲۱۹ - ۹۱۵

پیشگفتار:

چرا معماران می‌نویسند؟ چرا امروزه در مرام اداره مهاجرت فرانسه، خود را نویسنده معرفی کرد؟ چرا رافائل مونثو، که در مدرسه‌ی طراحی هاروارد به تحلیل آثار نخست معمار معاصر پرداخته، سخنان خود را در قالب کتابی در دسترس دانشجویان قرار داده است؟ برای معماران چه اهمیتی دارد که نقد آثار شاخص معماری معاصر دنیا را مطالعه نمایند؟ آیا دیدن تصاویر پروژه‌های ساخته شده/نشده‌ی معماری برای معماران کافی نیست، تا از آن پروژه‌ها تاثیر بگیرند و آثار خود را طراحی کنند؟ چگونه بدون مطالعه‌ی آثار ارزشمند نوشتاری تاریخی معماری می‌توان امیدوار بود که در معماری معاصر حرف جدیدی برای گفتن داشته‌باشیم؟ آیا حرف جدید در معماری صرفاً فرم‌ها و مشخصات ظاهری جدید و نامتعارف است؟ آیا بدون تقویت پشتوانه‌های علمی و نظری و مطالعه‌ی آنچه در جهان معماری در حال وقوع است، امکان مطرح نمودن حرف‌های جدید ممکن است؟

آیا همواره با استفاده از تبادیل اندیشه‌ها و نوشته‌ها نبوده است که فرهنگ غربی پیشرفت کرده‌است؟ آیا افلاطون تحت تاثیر اندیشه‌های زرتشت توانست دستگاه فکری خود را سازماندهی نماید؟ چرا دانشمندان ایران در دوره ساسانی با ارسال سفیر به یونان، علاقمند بودند که با اندیشه‌های افلاطون و ارسطو آشنا شوند؟ چرا نخستین بار آثار افلاطون و ارسطو از زبان لاتین به عربی ترجمه شد و باعث شکوفایی فلسفه و ریاضیات و ادبیات ایران در قرن چهارم شد؟ آیا ترجمه‌ی اندیشه‌های ابن رشد از عربی به لاتین پایه‌های رنسانس را شکل داده‌است؟ آیا باید جهانی اندیشید و منطقه‌ای عمل نمود؟ جایگاه نقد در معماری معاصر ایرانیان با انتشار اندیشه‌های نوین و تعمق در نوشتار منتقدین از شرق تا غرب ارتقا می‌یابد. در این میان، همچون گذشته، بر معماران، اندیشمندان و منتقدین ایرانی است که از میان تمامی آنچه در دسترس است خود به آنچه قابل و مفید در این سرزمین است توجه نموده و در جهت رشد مبانی نظری و تئوریک معماری بومی ایران کوشا باشند. کتاب حاضر منبعی مستند در خصوص نقد معماری است، کتابی که دارای ویژگی‌های قابل تدریس در مراکز آموزش عالی معماری بوده و در آن ریشه‌ها و شیوه‌های نقد معماری به وضوح قابل درک می‌باشند. انتخاب این کتاب جهت ترجمه نه تنها به دلیل علاقه‌ی شخصی اینجانب به موضوع «نقد معماری»، بلکه بیشتر به دلیل کمبود منابع علمی و مستند در این خصوص بوده است. امید است این کتاب نیز خود به موضوعی برای نقد منتقدان تبدیل شود.

ایمان رئیسی

مقدمه:

همواره معتقد بوده‌ام که مدارس معماری باید به چشم انداز معاصر توجه کنند، به معماری که همچنان قهرمانان کتب اصلی اند، بنابراین اوایل دهه‌ی نود میلادی بود که به دانشجویان مدرسه معماری هاروارد درسی را پیشنهاد کردم که درباره‌ی آثار معماران معاصر بود. من همچنان به آثار بعضی از این معماران بزرگتر از من یا استاد من فکر می‌کنم. همه از همکاران و دوستانی اند که بحسین‌شان می‌کنم.

این کتاب تالیفی از آن سخنرانی‌ها است. آثار اسمان، گوتنبرگ، ونزو، وایکات براون، روسی، آیزنمن، سیزا، گری، کولهاس، و هرزوک و د مورن با دقت تحت عنوان «اشتیاق تئوریک برای طراحی» ارزیابی شده‌اند. از واژه‌ی «اشتیاق» استفاده می‌کنم، چون مطالعه‌ی معماری در زمان حال در مسیر پیش رفتن است که به اندیشیدن و مباحث نقدانه نزدیکتر شده است تا هرگونه علاقه‌ای به ساختن تئوری سیستمی. کتاب پیچیدگی و تضاد در معماری رابرت ونزوری به این بحث شهادت خواهد داد. کتاب نوعی آزمون نیشدار است که به اندیشه‌های متعددی اشاره می‌شود: به عنوان نمونه، این کتاب نوعی رساله‌ی تئوریک یا بیانی شخصی از اشتیاق تئوریک است، و نه نوعی تئوری. در نقطه‌ی منال، معماری شهر آلدو روسی، نمایشی است از فردی. که دارای علاقه‌ی زیادی به اصول شهری است، که با روش‌های شخصی ره‌آسوده‌ای پایان یافته است. در این نقطه از تاریخ ما به کتاب روسی احترام می‌گذاریم، نه زیاد به خاطر همکاری در توسعه‌ی تئوری، بلکه برای ایده‌های بسیار شخصی اش. این تمثیلی است از معماری که از واژگان هم استفاده می‌کند. این تمثیل تئوریک واژه‌ی دقیقتری نسبت به تئوری است، و چنین است، هنگامی که به نوشته‌های پتر آیزنمن مراجعه می‌کنیم. این‌ها روشی هستند که نشانگر نوعی ظرفیت روشفکرانه برای انتقال به مفاهیم معماری‌اند که از فیلسوفان معاصر اقتباس شده است. برای کولهاس هم چنین است، آخرین بحثی که از آن استفاده می‌کنیم، بسیار مهم است که نیویورک هذیانی را درک کنیم. [کتابی] که هنوز به‌روز است و ارزشمندترین نوشته‌ی اوست، به عنوان کتابی از مقالات، اندیشه‌ای اصیل و بسیار شخصی درباره‌ی اصول نهفته در معمای شهر اسمان خراشها. واژه‌ی دیگر بازمند توصیف، «استراتژی‌ها» است. این واژه در اینجا اشاره دارد به ساز و کارها، شیوه‌ها، مدل‌واره‌ها، و روش‌های شکلی که در کارهای معماران تکرار می‌شود - ابزارهایی که با آن به ساختمان‌شان شکل می‌بخشند. از ساز و کارهای شکلی. هنگامی که در مورد مهارت پلان‌ها و مقطع‌ها در معماری جیمز استرلینگ، تا هنگامی که در مورد شکل‌های تاشنده با همکاری فرانک گری می‌اندیشیم، صحبت خواهیم نمود. ممکن است دشوار باشد که این واژه

را در مورد آوارو سیزا یا هرزوغ و دِ مورن به کار ببرم، اما ارائه‌ی دستخط معمارانه و بسیار شخصی سیزا، و علاقه‌ی توام با وسواس معماری و مصالح هرزوغ و دِ مورن، اعتقاد دارم که همچنان می‌توانیم آنها را در همان مسیر مورد بحث قرار دهیم. حالا که عنوان کتاب را شرح دادم، اجازه دهید که سعی کنم احساسم را درمورد این گروه معماران بعضاً نامتجانس بیان کنم. علاقه‌ام به این بود که معمارانی را مطالعه کنم که دارای نفوذ و قدرت بیشتری در زمان حال هستند، آنهایی که در آخرین ربع قرن بیستم علایق دانشجویان معماری را برانگیخته‌اند، آنهایی که کارهایشان در عرصه‌ی وسیعی مورد بحث قرار گرفته است، و سرانجام آنهایی که کتاب‌هایشان با مقدار زیادی مقالات مفهومی منتشر شده است. به نظر می‌رسد که باید با جیمز استرلینگ شروع کنم. شخصیت او دعوت‌کننده به تلاشی است که در راستای اتصال چیزی بود که می‌توانست شامل میراث زبان شناختی پیشروها - که هنوز در آغاز دهه‌ی شصت میلادی زنده بودند - به علاقه‌ی شدید به پیچیدگی باشد، که پس از آن ایجاد شد. فکرمی‌کنم که امروزه کمتر درباره‌ی او بحث می‌شود، لذا الزامی است که هرگونه ارزیابی معماری معاصر را با استرلینگ آغاز کنیم.

[تفکر] استرلینگ به سرعت توسط رابرت ونتوری و آلدو روسی ادامه یافت. این دو اغلب باهم جفت شده‌اند، ازجمله‌ی این دلایل انتشار پیچیدگی و تضاد در معماری و معماری شهر در یک سال است (۱۹۶۶ م.). اما معمار آمریکایی باید مقدم‌تر از معمار ایتالیایی باشد. تاثیر ونطوری سریع بود و در دهه‌ی شصت م. و اوایل دهه‌ی هفتاد م. حکم‌فرما بود، درحالی که کار روسی، درحالی که در اروپا به خوبی شناخته شده بود، اما تا اواخر دهه‌ی هفتاد م. «جهانی» نشد، تا زمانی که اندیشه‌هایش در آمریکا منتشر شد. هر یک ایده‌هایشان را با آثارشان نشان دادند. ونطوری، با ساخت کشور به عنوان نقطه‌ی شروع، سعی کرد تا اصول را دریابد و نشان دهد که چقدر در مقابل هنر و گرایش به فرد مقاوم است. در مقابل، روسی تلاش کرد که نظم علمی را گسترش دهد، پس از اینکه از اصول مهمی که معماری شهر را توصیف می‌کند، رمزگشایی کرد. هر دو طی دهه‌ها اندیشه‌ی معمارانه را تحت تاثیر قرار دادند، و تاثیرشان با امروز احساس شده است.

معماری مانند پتر آیزنمن، علاقه‌ی ویژه‌ای به تئوری پردازی مقدم بر تمرین ساختن اثر دارد. او مسئول بخش تئوری کتاب پنج معمار نیویورک در سال ۱۹۷۲، و موسس مرکز مطالعات معماری و شهر و [مجله‌ی] مخالفان، و در نتیجه نقشی کلیدی در فرهنگ معماری آمریکا دارد. هر چند گاهی با سوء تفاهم همراه شده اما هیچ وقت فراموش نشده است، نوشته‌های تئوریک او جایگاه برجسته‌ای در چشم انداز معمارانی که در این سخنرانی‌ها توصیف می‌شوند داشته است.

آوارو سیزا و فرانک گری بر چشم انداز معماری دهه‌ی هشتاد میلادی تاثیر گذاشتند. به نظر می‌رسد که به‌وسیله‌ی آنها، تئوری در مسیری افتاد که نوعی معماری با اثر واقعی قابل توصیف شد. هر چند گوی هندسالی مسن‌تر است، ابتدا سیزا را ارایه نمودم. معماری [سیزا] همیشه مورد تحسین بوده است و از ابتدای دوره‌ی کاری اش، زمانی که مجلات ایتالیایی او را کشف نمودند، فرهنگ معماری اروپا در آثارش بازتاب داشت. کارهای او همواره با علاقه‌ی زیادی همراه شده است و کسی ممکن است بگوید که او بدون رهایی از تعهد تئوریک و اجتماعی به آغازگران [این اندیشه] محوفا نمی‌شد. این مسئله باعث شد که گری بعضی اوقات اعمال نفوذ کند، اما تاثیر او در معماری دهه‌ی هشتاد غیرقابل پرسش است. عملکردی آگاهانه‌ی او، با روش نوآورانه اش در سازماندگی مصالح و فرم ترکیب شد، و از هرگونه تسلیم شدن به زمینه دل‌خواه و به سرعت باعث شد که به مرجعی مسلم تبدیل شود. سفر اعجاب‌انگیزی را شرح خواهیم داد که چگونه محرکی، باعث شد معمار نه چندان مطرحی [مثل گری] به معماری محبوب در دهه‌ی نود تبدیل شد، دهه‌ای که شاهد اختلاط صریح شخصیت او و سلسله کارهای اصلی اش بود که به نقطه‌ی اوج موزه گوگنهایم بیلانو منتهی شد.

علایق تئوریک و حرفه‌ای، اساسا در این دهه تغییر یافت، و چهره‌ی رم کولهاس مدلواره‌ی این تغییر بود. کولهاس می‌خواست که معماران، بدون پیش داوری روشنفکرانه، عقلانیت ضمنی نوعی از معماری را که سرمایه‌گذاران ساختمان

می ساختند، ترمیم نماید، لذا، او اعتقاد داشت، که باید ریشه های معماری را، که هنوز زنده بود - و با اشتیاق تئوریک حامیان معماری بافرهنگ تحریف شده بودند نشانه بگیرد. هدف او، کلیدی برای نوعی از معماری در دنیای جهانی شده بود، که احترام به تاریخ و غم غربت نسل گذشته ندارد. **نیویورک هذیانی**، نخست منتشر شده در [سال] ۱۹۷۸، تأثیری معطوف به گذشته در دهه ی نود و کامل شده با [کتاب] بسیار عمومیت یافته اس ام ال ایکس ال [S.M.I.X.]. که گونه ای از کتاب را بنیان نهاد که توجه بسیار بیشتری به تصویر و نقشه نسبت به متن داشت. حسن ختام این مقدمه، نخستین کارهای هرز وگ و د مورن بود، که اعلام کننده ی سرست متعالی مکعب های اصلی است. اینجا ارتباط با جهان شکل گرایانه ی هنرمندان حداقل گرا آشکار می شود، احیاشدن سستی که کارهای این دو معمار را با آن نقاشان مرتبط می سازد. تأثیر هرز وگ و د مورن در مدارس معماری خیلی سریع بود، و ظرفیت آنها برای به عهده گرفتن هر گونه ساده سازی و هماهنگ شدن با مهمترین رویداد متضادی که شرح می دهد چرا دانشجویان به دیدن از نزدیک کارهایشان ادامه می دهند، قابل ستایش است. آنها، با اطمینان، در میان چندتن از معمارانی، که من فکر می کنم تأثیر گذاراند، قرار می گیرند.

جهت شرح چگونگی انتخاب معماران، باید بگویم که چگونه تعدادی از سخنرانی هایم به این کتاب تبدیل شد. همانگونه که قبلاً گفتم، سخنرانی به عنوان درس هایم در مدرسه ی طراحی هاروارد ارائه شده است. این مربوط به سالهای تحصیلی ۱۹۹۲-۱۹۹۳ و ۱۹۹۳-۱۹۹۴ است. آن سخنرانی ها مجدداً، به درخواست حوزه مانوئل لویز پلازا، در مجموعه ای از صحبت هایم در [ماه] نوامبر [سال] ۱۹۹۵ در سیرکلو د بلاس ارتس مادرید^۲ ارائه شد. بدون او [پلازا]، مطالب ارائه شده در این کتاب ممکن بود هرگز واقعیت نیابند سخنرانی های سیرکلو، ضبط شدند، و بدر این متن را ایجاد نمودند. بنابراین، کتاب همکاری دانشجویان شرکت کننده در کلاس^۳ خود مستتر دارد. لحن گفتگو محور کلاس تا حد ممکن حفظ شده است، تصاویر هم، مانند آنهایی که در طول سخنرانی ها نمایش داده می شد، ارائه شده است. همانگونه که خوانندگان مطلع خواهند شد، هماهنگی متون و تصاویر با توجه به طبع این کتاب تعیین شده است. بنابراین، توجه ای که به طرح گرافیک شده است، سیستمی قراردادی از رامون پارت^۴ می باشد، مدیر انتشارات [ختر]، و کسی که این پروژه را هدایت نمود.

دو نکته ی باقیمانده به شرح زیر است. نخست، در باره ی جمهوری و همچنین هرز وگ و د مورن صحبت نکردم، اما وقتی که در مورد انتشار این سخنرانی ها در یک کتاب فکری^۵، تأثیر آنها غیر قابل انکار به نظر رسید، چرا که هر دوی آنها، معمار آمریکایی و شریکان سوئیسی، نقشی اساسی در معماری معاصر داشته اند و درحقیقت من به ایشان در درس های دیگری اشاره نمودم. دوم، در حین کار کردن بر یادداشت های سخنرانی قدیمی من کردم که دامنه ی کارهای معماران را تا بعد از سال ۱۹۹۵ هم ادامه دهم. در نهایت، تصمیم گرفتم که سخنرانی ها را با اینچنین هستند، رها کنم. ...

و این درباره ی کتاب بود. اما نمی خواهم این مقدمه را بدون تشکر از پیروزو، مدیر من به طراحی هاروارد، پایان دهم، کسی که همواره از انتشار این سخنرانی ها حمایت نمود، و باید از کارمن دیر مدینا^۶ تشکر کنم، که مرا در بازتوسسی متن کمک نمود. بدون اسعداد او، حساسیت و تعلق خاطرش به این پروژه، امروز چنین کتابی موجود بود.

- Jose Manuel Lopez Pelaez ۲
- Madrid's Circulo de Bellas Artes ۳
- Ramon Part ۵
- Actar ۶
- Peter Rowe ۷
- Carmen Díez Medina ۸

برای B.F. که بسیار به او مدیونم
و کسی که خوب می‌دانم عاشق معماری است.
رافائل مونئو

و برای هشت معمار امروز ایران :

محمدرضا نیکبخت

کاوه بذرافکن و اتوسا مدیری

محمد مجیدی

رضا دانشمیر

علیرضا تغابنی

عباس ریاحی‌فر

آرش مظفری

رامبد ایلخانی و علیرضا شرافتی

	فهرست:
۱۱	فصل اول: جیمز اسٹرلینگ
۴۵	فصل دوم: ونثوری و اسکات براون
۸۵	فصل سوم: آلدو روسی
۱۱۹	فصل چهارم: پیتز آیزمن
۱۵۹	فصل پنجم: آوارو سیزا
۱۹۷	فصل ششم: فرانک گری
۲۳۵	فصل هفتم: رم کولهاس
۲۷۷	فصل هشتم: هرزوغ و د مورن